



The Ruling on Parents' Nudity before Their Children in Imami Jurisprudence

Omid Aslambakhsh¹ Mohammad Davoudi²

Doi:

10.30497/FLJ.2025.248666.2210



Abstract

Among the most significant dimensions that involved parents' minds are the sphere of moral education and of sexual upbringing. A question that may relate to both of these dimensions is this: what is the ruling on the exposing of parent's privy parts before their children? This question arises from parents' concern that parent's nudity before their child might disrupt the child's sexual upbringing, leading to sexual problems either at that age or later in life. There is also the concern that dignity of the father and mother may not be properly internalized in the child's character or that the child may encounter difficulties in maintaining respect toward the parents. with the exposing of parent's privy parts before their or that the child may encounter difficulties in maintaining respect toward the parents. This study, by using qualitative method and documentary analysis, examines this issue from the perspective of Imami jurisprudence. An examination of the ruling on parents' nudity before their children, based on the four sources of jurisprudence (the Qur'an, the Sunnah, reason, and consensus) indicates that, it is obligatory to cover the private parts from a child who is capable of being taught the concept of permission, even if not yet discerning (*mumayyiz*) according to the verse of *Isti'than* (permission-seeking). However, this verse is silent regarding the period before that stage. The narrations affirm the prohibition of parent's nudity before their children, even those who are not discerning. Also, wisdom and wise men recognize the impropriety of nudity before discerning children, but they remain silent regarding non-discerning ones, and there exists no consensus uncovering the opinion of the infallible in this matter. The conclusion drawn from these arguments is that parent's nudity before their children is impermissible at all ages.

Keywords: The verse of *Isti'than*, sexual upbringing, parent's nudity, immature children, Ightesal narrations, Imami jurisprudence.

1. (Corresponding Author) Ph.D. Candidate in Philosophy of Education and training, Research Institute for Hawzah and University, Expert theologian in Jurisprudence and Islamic Science, Qom, Iran. aslambakhsh@rihu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Research Institute for Hawzah and University, Qom, Iran. Mdavoudi@rihu.ac.ir

حکم برهنه شدن والدین در برابر فرزندان در فقه امامیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۳

امید اسلم بخش^۱

محمد داوودی^۲

Doi: 10.30497/FLJ.2025.248666.2210

چکیده

از مهم‌ترین ساحت‌هایی که ذهن والدین را درگیر می‌کند، ساحت تربیت اخلاقی و تربیت جنسی است و سؤالی که می‌تواند به هر دو ساحت برگردد، سؤال از این است که برهنه کردن عورت در برابر فرزندان چه حکمی دارد؟ سؤال مذکور از این جهت پدید می‌آید که این نگرانی برای والدین وجود دارد که مبدا با برهنه بودن در برابر فرزند، تربیت جنسی او مختل شود و فرزند در همان سنین یا حتی سال‌ها بعد دچار مشکلات جنسی شود. همچنین جای این نگرانی وجود دارد که مبدا با برهنه بودن عورت والدین در برابر فرزند، ابهت پدر و مادر آن‌چنان‌که باید، در نهاد فرزند درونی نشود یا اینکه کودک در مسیر احترام به پدر و مادر دچار مشکل شود. در این پژوهش به روش کیفی و با تحلیل اسنادی به حل مسئله از منظر فقه امامیه پرداخته می‌شود. در بررسی حکم کشف برهنه شدن والدین در برابر فرزندان براساس ادله اربعه، آیه استیذان و جوب ستر عورت از کودکی که قابلیت تعلیم اذن دارد، ولو ممیز نباشد، ثابت می‌شود و البته این آیه درباره قبل از این سن ساکت است. روایات بر حرمت برهنه شدن در برابر اطفال ولو غیرممیزان صحه می‌گذارند. عقل و عقلا نیز قبح برهنه بودن در برابر ممیزان را ثابت می‌دانند؛ اما درباره غیرممیزان ساکت‌اند و اجماع حاکی از رأی معصوم، معصوم در این مسئله وجود ندارد. حاصل این کلمات این است که برهنه شدن در برابر فرزندان در تمام سنین جایز نیست.

کلیدواژه‌ها: آیه استیذان، برهنگی والدین، تربیت جنسی، روایات اغتسال، فرزندان غیربالغ، فقه امامیه.

۱. نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و طلبه درس خارج تخصصی

aslambakhsh@rihu. ac. ir

مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی قم، قم، ایران.

Mdavoudi@rihu. ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهم والدین تربیت فرزندان است. تربیت براساس منابع اسلامی از پیش از تولد فرزند آغاز می‌شود؛ اما پس از تولد فرزند است که برای پدران و مادران اهمیت زیادی پیدا می‌کند و سؤالات زیادی را پیش‌روی والدین قرار می‌دهد این سؤالات ساحت‌های گوناگون تربیت فرزند را دربرمی‌گیرد؛ مانند ساحت تربیت اعتقادی، ساحت تربیت عبادی و ساحت تربیت بدنی. از مهم‌ترین ساحت‌هایی که ذهن والدین را درگیر می‌کند، ساحت تربیت اخلاقی و ساحت تربیت جنسی است و سؤالی که می‌تواند در هر دو ساحت مطرح باشد، سؤال از این است که برهنه کردن عورت در برابر فرزند چه حکمی دارد. این سؤال از این جهت پدید می‌آید که والدین نگران‌اند که مبدا با برهنه بودن در برابر فرزند، تربیت جنسی او مختل شود و فرزند در همان سنین یا سال‌ها بعد دچار مشکلات جنسی شود. همچنین این نگرانی وجود دارد که مبدا با برهنه بودن عورت والدین در برابر فرزند، ابهت پدر و مادر آن‌چنان‌که باید در نهاد فرزند درونی نشود یا اینکه کودک در مسیر احترام به پدر و مادر دچار مشکل شود. مطمئن‌ترین راه، رجوع به شریعت است تا مشخص شود که نظر خداوندی که خود، انسان را آفریده است، در این زمینه چیست؟ آیا برهنه شدن در برابر فرزند جایز است؟ اگر جایز است، در چه سنینی امر جایزی است؟ و در یک کلام، حکم برهنه شدن والدین در برابر فرزندان در سنین مختلف چیست؟

برای پاسخ به این سؤال مقاله یا پایان‌نامه مستقلی به رشته تحریر در نیامده، و لازم است که به‌طور مجزا به آن پرداخته شود؛ خصوصاً که گاهی مشاهده شده است که به‌عنوان نظرهای روان‌شناسی چه با نقل صحیح و چه با نقل ناصحیح در جامعه این ایده مطرح می‌شود که این سؤالات پاسخ نسبی دارند و حتی گاهی مناسب است در برابر کودکان، برهنه بود تا به اصطلاح «چشم و دل سیر» شوند (برای مثال نک: «آیا برهنه بودن والدین در مقابل فرزندانشان اشکالی ندارد؟ مزایا، محدودیت‌ها و نکات روان‌شناختی — حقوق نیوز»، بی‌تا) و حتی بعید نیست که بعدها با ادله علم تجربی و به‌طرز ناقص آن را به‌عنوان نظریه مطرح کنند و این

نشان از ضرورت کار مستقل بر روی این موضوع دارد. برای این مهم باید ادله اربعه بررسی شود.

در بین مقالات برخی به‌عنوان یکی از سؤالات فرعی مقاله به پرسش این نگاشته پرداخته‌اند و به اهمیت آن اذعان کرده‌اند؛ اما به‌طور تفصیلی به آن نپرداخته‌اند؛ برای مثال در یکی از مقالات تنها به روایت حمام نبردن فرزندان اشاره شده، و تنها کلام یکی از فقها ذیل آن آمده است (شیرازی فرج، عابدی سرآسیا، و محمدیان، ۱۳۹۵) و در مقاله‌ای دیگر به آیات حفظ فروج سوره مبارکه نور و آیه استیذان پرداخته شده، و البته بر روی آیات حفظ فروج تأمل کافی به عمل نیامده است (امامی‌راد و مشهدی علی‌پور، ۱۴۰۳) و در مقاله‌ای دیگر تنها به آیات حفظ فروج از سوره مبارکه نور و یکی از روایات حمام تمسک شده است (محمدی پناه، آقایی بجستانی، و کهنساری، ۱۴۰۰). در یکی دیگر از مقالات تنها دو روایت درباره حمام ذکر شده، و کار فقهی صورت نگرفته است (کاویانی، ۱۴۰۰) و در مقاله‌ای دیگر، یکی از روایات باب اغتسال و دو روایت مفسر آیات حفظ فروج از سوره مبارکه نور و چند روایات باب حمام آمده؛ اما کار فقهی روی آن انجام نشده است (خمینی، ۱۳۸۲) و در دیگری به آیات حفظ فروج از سوره مبارکه نور و برخی روایات مفسر آن به اجمال پرداخته شده است (امامی‌راد و مشهدی علی‌پور، ۱۳۹۹). همچنین در یک مقاله چند روایت حمام بررسی شده است (کویتی، و ابراهیمی، ۱۴۰۱).

در این مقاله به روش کیفی و با تحلیل اسنادی قرآن و روایات، به حل مسئله پرداخته شده، و سعی بر این بوده است که اهم ادله از کتب مختلف فقهی و تفسیری که به این مسئله پرداخته‌اند، جمع‌آوری شود و بر روی همه آن‌ها بازپژوهی صورت پذیرد.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

- کودک

در علم فقه، کودک معادل واژه «صبی» یا «طفل» است که بر انسان نابالغ اطلاق می‌شود و به دو قسم ممیز و غیرممیز تقسیم می‌شود. ممیز کودکی است که ماهیت اشیاء مختلف را می‌شناسد و منفعت و ضرر آن‌ها را تشخیص می‌دهد و غیرممیز نیز کسی است که چنین

تولنایی ای ندارد. در فقه به ممیزی که نزدیک به سن بلوغ است، «مراهق» گفته می‌شود (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۳). در این تحقیق مراد از کودک، همان اصطلاح فقهی است.

- عورت

مقصود از عورت در این پژوهش همان فروج میانی آدمی است که اصطلاحاً به آن قُبُل و دُبُر گفته می‌شود. در این بین فرقی بین مرد و زن لحاظ نشده است؛ مشخصاً این تعریف با برخی تعاریفات لغوی یا فقهی یا شرعی ممکن است رابطه عموم و خصوص مطلق یا «من وجه» داشته باشد (برای اطلاع بیشتر نک: سوزنجی، ۱۴۰۳ق).

۱. کیفیت پوشش والدین و تربیت

کودکان در ابتدای زندگی خود همچون صفحه‌ای سفید هستند که هیچ اثری بر آن نیست. هر آنچه والدین در این دوران بر ذهن و رفتار آن‌ها نقش می‌زنند، در آینده بازتاب خواهد یافت. به بیان دیگر، شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و فرهنگی فرزندان عمدتاً تحت تأثیر عوامل مختلفی چون خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و سایر محیط‌های اجتماعی قرار می‌گیرد. البته میزان تأثیرگذاری این منابع بر افراد متفاوت است؛ برای برخی کودکان خانواده نقش اصلی را ایفا می‌کند، برای برخی دیگر مدرسه یا رسانه‌ها اهمیت بیشتری دارند. بخشی از جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری انسان، که بر شخصیت روانی و فرهنگی او اثرگذار است، تا پیش از شش سالگی شکل می‌گیرد (موری، ۱۴۰۲). در این بازه زمانی، کودک بیشترین وقت خود را در محیط خانواده سپری می‌کند و به همین دلیل، خانواده بیشترین تأثیر را بر رشد و تربیت او دارد.

آموزه‌های اسلامی نیز اهمیت ویژه‌ای برای تربیت کودکان در خانواده قائل هستند و والدین را به دقت و توجه در این زمینه فرامی‌خوانند. یکی از قلمروهای تربیت کودک در خانواده که در آموزه‌های اسلامی بسیار اهمیت دارد، تربیت جنسی است؛ برای مثال یکی از توصیه‌های مهم، پرهیز والدین از هرگونه رفتار جنسی در حضور کودک بیدار است؛ چراکه چنین رفتارهایی می‌تواند تأثیرات منفی بر شکل‌گیری شخصیت و گرایش‌های جنسی فرزندان

داشته باشد. در منابع اسلامی تأکید شده است که روابط زناشویی باید به گونه‌ای انجام شود که کودک نه شاهد آن باشد و نه متوجه آن شود؛ زیرا مشاهده یا آگاهی کودک از چنین مسائلی، ممکن است زمینه‌ساز انحرافات جنسی او در آینده شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۰۰).

در صورت بی‌توجهی به این توصیه‌ها، احتمال دارد کودکان تحت‌تأثیر آنچه به عنوان «الگوهای رفتاری آموخته‌شده» شناخته می‌شود، قرار گیرند. این الگوها می‌توانند به صورت پایدار در ذهن کودک باقی بمانند و بر رفتارها و تمایلات او اثر بگذارند. این تأثیرگذاری به دو شکل عمده رخ می‌دهد: نخست، از طریق مشاهده و الگوبرداری کودک از رفتارهای بزرگسالان که به شکل طرح‌واره‌های ذهنی درباره روابط جنسی در ذهن او شکل می‌گیرد؛ و دوم، از طریق خیال‌پردازی‌هایی که کودک به واسطه تجربه‌ها یا مشاهدات قبلی خود ایجاد می‌کند (رابرت، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). مطالعات نشان داده‌اند که محرک‌های جنسی برای ایجاد تحریک، صرفاً بصری نیستند و حتی خیال‌پردازی نیز می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد. به همین دلیل، کودکانی که مستعد خیال‌پردازی هستند یا تجربه مشاهده رفتارهای جنسی را داشته‌اند، بیشتر در معرض این نوع تحریکات قرار می‌گیرند (رابرت، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳).

آموزه‌های اسلامی نیز با هدف پیشگیری از آسیب‌های روانی و رفتاری، والدین را به رعایت حریم خصوصی و توجه به رفتارهای خود در حضور کودکان توصیه می‌کند تا سلامت روان و شخصیت اخلاقی فرزندان حفظ شود. یکی از موارد مورد توجه اسلام در این زمینه نحوه پوشش است که می‌تواند تأثیر بسزایی بر «الگوهای رفتاری آموخته‌شده» داشته باشد و این توجه در خلال آیات و روایت مورد بحث در این مقاله نیز قابل مشاهده است.

همچنین طبق نظریه «یادگیری مشاهده‌ای»، کودکان بسیاری از رفتارها، نگرش‌ها و هنجارها را از طریق مشاهده و تقلید از والدین خود می‌آموزند. پوشش والدین به عنوان یکی از رفتارهای قابل مشاهده، الگوی مهمی برای کودکان محسوب می‌شود و کودکان با مشاهده

نحوه لباس پوشیدن پدر و مادر، معیارها و مرزهای پوشش را یاد می‌گیرند (Bandura, Ross, & Ross, 1961).

درواقع، همان‌طور که بندورا تأکید می‌کند، کودکان نه فقط رفتارهای کلامی بلکه رفتارهای غیرکلامی و ظاهری والدین را نیز الگو قرار می‌دهند. اگر والدین در حضور فرزندان خود پوشش مناسبی داشته باشند، کودکان نیز به تدریج اهمیت رعایت حریم و پوشش را درک می‌کنند و این رفتار را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی بازتولید خواهند کرد. برعکس، اگر والدین پوشش نامناسب یا ناسازگار با فرهنگ جامعه و الگوهای آن داشته باشند، کودک ممکن است دچار سردرگمی شود یا الگوهای رفتاری نادرستی را فرا گیرد؛ بنابراین، براساس نظریه بندورا، پوشش والدین نه تنها به صورت مستقیم، بلکه از طریق فرآیند مشاهده و تقلید، بر شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای پوششی فرزندان اثرگذار است و می‌تواند نقش مهمی در آموزش غیرمستقیم هنجارهای اجتماعی و اخلاقی ایفا کند.

۲. ادله ناظر بر برهنه شدن والدین در برابر فرزندان

در این قسمت به بررسی ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع، عقل) ناظر به این موضوع پرداخته می‌شود و اصل اولی این است که از بین ادله، آن مقدار مورد بحث قرار گیرند که صدورشان تمام باشد و دلالتی روشن بر حکم مسئله داشته باشند.

۲-۱. ادله قرآنی

۲-۱-۱. آیه استیدان

یکی از آیاتی که برای حرمت کشف مورداستشهاد قرار گرفته است تا حرمت کشف عورت در برابر فرزندان نابالغ را ثابت کند آیه استیدان است (سند، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۹۲): «ای کسانی که ایمان دارید کسانی که شما مالک آنان شده‌اید و کسانی که هنوز به عقل نرسیده‌اند، باید در شبانه‌روز، سه وقت از شما اجازه ورود بگیرند: یکی پیش از نماز صبح و دوم هنگام نیمروز که جامه‌های خویش از تن درمی‌آورید و سوم بعد از نماز شبانگاه، که این سه هنگام، هنگام خلوت شما است و پس از آن گناهی بر شما و ایشان نیست که هنگام تحرک و برخورد

با یکدیگر است، خدا این چنین آیه‌ها را برای شما بیان می‌کند که خدا دانا و حکیم است»^۱ (نور، ۵۸).

نحوه استدلال به این آیه در جایی ذکر نشده است؛ اما احتمالاً به این صورت است که ظاهر آیه، امر به نابالغان است؛ اما چون نابالغ، تکلیف ندارد، چنین استنباط می‌شود که در واقع خطاب به والدین است؛ همان‌طور که در عرف هم وقتی می‌گوییم فرزند شما نباید شیشه‌های منازل دیگران را بشکند، معنای جدی آن این است که پدر و مادر نباید اجازه دهند که فرزندان شیشه‌ها را بشکنند؛ مؤید این استظهار این است که خطاب در این آیه که همان «یا ایها الذین آمنوا» است، اولاً و بالذات، به والدین است؛ از این رو در اینجا مراد این است که والدین باید کاری کنند که فرزندان در این سه زمان با اجازه وارد شوند. حال اگر به آنچه ظاهراً به‌عنوان تعلیل بیان شده است، دقت کنیم، یعنی «ثلاث عورات لكم»، متوجه می‌شویم که پدر و مادر برای اینکه نابالغان بر عورت آن‌ها مطلع نشوند، باید کاری کنند که نابالغان برای ورود به خلوت ایشان اجازه بگیرند و از این رو، هم با عموم تعلیل می‌توان گفت که والدین باید کاری کنند که نابالغان عورت آن‌ها را نبینند، و هم با اولویت عرفیه؛ یعنی اگر والدین در آن سه وقت، برای حفظ مصلحت عدم اطلاع نابالغان بر عورت آن‌ها باید کاری کنند که فرزندان اجازه بگیرند، به طریق اولی خود والدین حق ندارند عورت خود را حتی در غیر آن سه وقت، نزد نابالغان آشکار کنند. این آیه شریفه هر فرزندی را که قابلیت تعلیم اذن داشته باشد، در برمی‌گیرد؛ خواه ممیز باشد و خواه نباشد.

به باور نگارنده، ممکن است گفته شود عورت ممکن است چیزی اعم از فرج باشد و مراد حالتی است که انسان برخی لباس‌های خود را درآورده است، کما اینکه جامه افکندن در آیات بعد برای زنان سالخورده‌ای که میل ازدواج با آنان وجود ندارد، بدون اشکال شمرده

۱. «یا ایها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکتم ایمانکم و الذین لم یتلغوا الحلم منکم ثلاث مراتب من قیل صلاة الفجر و حین تصعون ثیابکم من الظهیرة و من بعد صلاة العشاء ثلاث عورات لكم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهن طوافون علیکم بغضکم علی بعض کذلک یتبین الله لکم الآیات و الله علیم حکیم.»

شده است و منظور از آن عریان شدن نیست. در پاسخ گفته می‌شود که حتی اگر مراد این باشد، به طریق اولی برهنگی را شامل می‌شود.

همچنین از دید راقم این سطور ممکن است گفته شود اصلاً این آیات برای بیان این است که افراد به حریم خصوصی یکدیگر احترام بگذارند و این اصلاً دلالتی بر این ندارد که شخص از حریم خصوصی خود صرف‌نظر کند و آن را در معرض دید دیگران قرار دهد. پاسخ این اشکال این است که در آیه آمده است: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ». این نشان می‌دهد که در معرض قرار دادن حریم خصوصی از جانب فرد بزرگسال شبهه گناه دارد و در آن سه وقت هم جناح داشته است.

نویسنده این احتمال را می‌دهد که به بیان اخیر چنین اشکال شود که ممکن است منظور از این فقره از آیه این باشد که اگر بزرگسال، فرد نابالغ را امر به استیذان در غیر آن سه وقت نکند، مرتکب گناه نشده است. پاسخ این اشکال این است که در این صورت معنای آیه این است که اگر نابالغان در غیر این سه وقت، بدون اجازه وارد شوند، بر بزرگسال از این بابت که امر به استیذان در غیر این سه وقت نکرده است، جناحی نیست. نگارنده معتقد است با توجه به اینکه آیه در مقام تحدید است، عدد مفهوم دارد و از این رو با این تفسیر، مفهوم صدر آیه در ذیل آیه شریفه آمده است و گفتن مفهوم صدر آیه در ذیل آن وجه بلاغی ندارد و حشو خواهد بود. همچنین این مطلب زمانی گفتنی است که احتمال داده شود بزرگسال باید برای غیر این سه وقت امر به استیذان داشته باشد؛ اما نابالغ اگر رعایت نکرد مؤاخذه نشود و فرقی با آن سه وقت این است که در آن سه وقت اگر نابالغ رعایت نکرد، مؤاخذه می‌شود؛ از این رو در آیه شریفه هم «لَيْسَ عَلَيْكُمْ ... جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ» آمده است و هم «وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ»؛ و الا اگر این احتمال نباشد، گفتن «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ» کفایت می‌کرد و اضافه بر آن (یعنی «ولا علیکم») لغو بود.

نگارنده معتقد است که این احتمال بعید است؛ چون در این صورت بلیغ‌تر این بود که در ابتدای آیه به جای وجوب استیذان در سه وقت، وجوب استیذان در همه اوقات گفته می‌شد؛

بنابراین چون مخاطبان این احتمال را به علت بعد، در ذهن نداشتند، بعید است که خداوند درصدد دفع این احتمال برآمده باشد. حتی اگر هر دو احتمال را شدنی در نظر بگیریم، با توجه به نیاز بیشتر مخاطب به حکمی که حاصل احتمال اول است، احتمال اول راجح است و ظهور را می‌سازد؛ چراکه واقعاً جای این سؤال برای بزرگسالان به نحو پررنگ وجود دارد که در غیر این سه وقت و با توجه به اینکه وجوب استیذان در کار نیست، کارهایی که در خلوت انجام می‌شود (مثلاً برهنه شدن) چه حکمی دارد؟

حال ممکن است گفته شود که این سه زمان دربارهٔ زمان آمیزش مرد و زن است و برای ندیدن آن، این آیه صادر شده است. در پاسخ گوییم در روایت صحیحی آمده است:

امام صادق (ع) فرمود: کنیزان و غلامان و افراد نابالغ شما باید سه مرتبه، همان‌طور که خداوند عزوجل شما را امر کرده است، از شما اجازه بگیرند و نیز بالغان شما؛ بنابراین بالغ از شما نباید بر مادر یا خواهر یا خاله‌اش یا غیر ایشان وارد شود، مگر با اجازه؛ پس اجازه ندهید تا سلام کند و سلام طاعت خداوند عزوجل است. امام صادق (ع) فرمود: غلامت وقتی بالغ شد، باید در سه زمان مخصوص خلوت از تو اجازه بگیرد وقتی می‌خواهد در این زمان‌ها وارد شود حتی اگر خانه‌اش همان خانه تو باشد و فرمود بعد از نماز عشاء، که به آن «عتمه» گویند، و وقت طلوع خورشید و وقتی لباس‌هایتان را از گرمای ظهر درمی‌آورید باید از تو اجازه بگیرد. همانا خداوند عزوجل به سبب خلوت به آن امر کرده است؛ چراکه ساعات مخصوص خلوت‌اند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۲۹).

مطابق این روایت، کودک حتی نباید بدون اجازه بر خواهر و برادرش وارد شود؛ ولو ایشان

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَيْسَتْ أَدْنُ لِلَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ لِلَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ بَلَغَ الْحُلُمَ فَلَا يَلِجُ عَلَى أُمِّهِ وَ لَا عَلَى أُخْتِهِ وَ لَا عَلَى خَالَتِهِ وَ لَا عَلَى سِوَى ذَلِكَ إِلَّا بِإِذْنٍ فَلَا تَأْذِنُوا حَتَّى يُسَلِّمَ وَ السَّلَامُ طَاعَةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَيْسَتْ أَدْنُ عَلَيْكَ خَادِمِكَ إِذَا بَلَغَ الْحُلُمَ فِي ثَلَاثِ عَوْرَاتٍ إِذَا دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنْهُنَّ وَ لَوْ كَانَ بَيْتُهُ فِي بَيْتِكَ قَالَ وَ لَيْسَتْ أَدْنُ عَلَيْكَ بَعْدَ الْعِشَاءِ - الَّتِي تُسَمَّى الْعَتَمَةَ وَ حِينَ تُصْبِحُ وَ حِينَ تَصْعُقُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ إِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ لِلخُلُوةِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ عَزَّةٌ وَ خُلُوةٌ.»

ازدواج نکرده باشند و این نشان می‌دهد که ملاک حکم، ندیدن آمیزش جنسی نیست؛ البته این کلام مبنی بر این است که حکم بالغان و نابالغان در این مسئله از لحاظ مناط، متفاوت نیست و آنچه سبب فرق شده است این است که ارتباط کنیزان و غلامان و نابالغان با پدر و مادر زیاد است و رفت‌وآمد زیادی دارند (چنانکه فقره «طوافون بعضکم علی بعض» در آیه به آن اشاره دارد)؛ از این رو از تخفیف در حکم برخوردار شده‌اند. به عبارت دیگر وقتی می‌بینیم حکم بالغان و نابالغان در دو آیه متوالی مشخص شده، و علت همیشگی نبودن حکم نابالغان، رفت و آمد زیاد بین ایشان و دیگر اعضای خانواده دانسته شده است؛ از این رو اگر این محذور نبود، علم نابالغان هم مثل بالغان همیشگی می‌شد، متوجه می‌شویم که مناط حکم در بالغان و نابالغان واحد است.

در روایت صحیح دیگری آمده است:

امام باقر (ع) فرمود: باید به کسانی که شما مالک آنان شده‌اید و کسانی که هنوز به عقل نرسیده‌اند دستور دهید در سه وقت از شبانه‌روز از شما اجازه ورود بگیرند: یکی پیش از نماز صبح و دوم هنگام نیمروز که جامه‌های خویش از تن درمی‌آورید و سوم بعد از نماز شبانگاه که این سه هنگام، هنگام خلوت شما است و پس از آن گناهی بر شما و ایشان نیست که هنگام تحرک و برخورد با یکدیگر است و بالغ از شما نباید بر مادر یا خواهر یا دخترش یا غیر ایشان وارد شود، مگر با اجازه؛ و مؤمن نباید به کسی اجازه ورود دهد مگر بعد از اینکه سلام کند و سلام طاعت خداوند رحمان است^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۰).

این روایت نیز بنا به همان بیانی که گذشت نشان می‌دهد ملاک حکم، ندیدن آمیزش جنسی

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهُ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَيْسَتْ أَدْنُكُمْ لِلَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظُّهَيْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ وَمَنْ بَلَغَ الْحُلُمَ مِنْكُمْ فَلَا يَلِجُ عَلَى أُمَّهِ وَلَا عَلَى أُخْتِهِ وَلَا عَلَى ابْنَتِهِ وَلَا عَلَى مَنْ سِوَى ذَلِكَ إِلَّا بِإِذْنٍ وَلَا يَأْذُنُ لِأَحَدٍ حَتَّى يُسَلَّمَ فَإِنَّ السَّلَامَ طَاعَةُ الرَّحْمَنِ.»

پدر و مادر نیست. شاید برخی بگویند: طبق این آیه در غیر این سه وقت، عریان بودن والدین در برابر فرزندان نابالغ اشکال ندارد. در پاسخ باید گفت: «لا جناح علیکم» ناظر به این امر است که در غیر این سه وقت که در آیه بیان شد، اگر برهنه شدید اشکالی ندارد؛ باینکه این خطر وجود دارد که اطفال بدون اجازه وارد شوند و شما را برهنه ببینند، و مشخصاً این به معنای جواز عریان شدن در غیر این سه وقت در برابر فرزندان نیست.

۲-۲. ادله روایی

الف. روایت اغتسال

در بیان احکام حمام و تخلی، روایاتی آمده که می‌تواند بر حرمت عریان شدن در حضور ولد ممیز و مراهق و بالغ دلالت کند. در روایتی در زمینه غسل آمده است: «به امام صادق گفتم مردی به صورت برهنه بدن خود را شست و شو می‌دهد. امام فرمود: اگر احدی او را نمی‌بیند، اشکالی ندارد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۴). این روایت از لحاظ سند، مسند است و تنها مسئله آن «علی بن السندي» است که باید بررسی شود که آیا موثق است یا خیر؟

سه دلیل برای اثبات وثاقت علی بن سندي ذکر شده است که اگر نگوئیم تک تک آنها برای اثبات وثاقت او کافی است، لاقلاً انضمام این سه دلیل وثاقت او را اثبات می‌کند. یکی از این ادله این است که نصر بن صباح معتقد است که علی بن سندي با علی بن اسماعیل متحد است و خود نصر بن صباح گفته است که علی بن اسماعیل ثقة است (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۶۰). دلیل دیگر نقل زیاد بزرگان روات از او است و محمد بن علی بن محبوب و صفار و سعد بن عبدالله به عنوان بزرگان از روات، از او زیاد نقل کرده‌اند. دلیل دیگر این است که محمد بن احمد بن یحیی از او چندین نقل دارد و ابن ولید او را از کسانی که محمد بن احمد بن یحیی از آنها روایت نقل کرده‌اند، استثناء نکرده است.

نحوه استدلال به این روایت چنین است که اگر در این روایت از جمله شرطیه مفهوم بگیریم، حاصل آن این است که اگر مردی عریان استحمام کند، درحالی که کسی او را می‌بیند، اشکال دارد و جایز نیست و این، حرمت کشف عورت را ثابت می‌کند. در این مفهوم، «أحد»

اطلاقی دارد که حتی شامل ولد صبی غیرممیز هم می‌شود؛ مگر انصراف یا قرینه لبیه متصل مانع باشد.

در روایت مشابه دیگری چنین آمده است:

از امام صادق (ع) چنین روایت شده است که خداوند تبارک و تعالی فرمود: به مؤمنان بگو چشم فروگذارند و فروجشان را حفظ کنند؛ یعنی نه احدی از ایشان به فرج برادرش نظر افکند و نه بگذارند احدی فرجش را نگاه کند^۱ (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴-۷).

این روایت در ناحیه سند با مشکل ارسال مواجه است و از این رو مستقلاً نمی‌تواند دلیل باشد؛ اما در ناحیه دلالت مؤید بسیار خوبی برای روایت اغتسال مذکور است و استحکام آن را افزایش می‌دهد؛ چراکه لفظ «أحد» اطلاقی دارد که موجب می‌شود که بر مرد واجب شود که فرج خود را از همه، حتی ولد غیرممیز خود، بپوشانند. البته این روایت درباره وظیفه مادر ساکت است.

ب. اشکال بر دلالت روایات درباره طفل غیرممیز و پاسخ آن

ادعا شده است که ادله حرمت، از طفل غیرممیز انصراف دارد (حکیم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۸۹). از کلام برخی نیز چنین برمی‌آید که لااقل شک در انصراف از غیرممیز وجود دارد و همین برای از بین رفتن اطلاق، کافی است (اراکي، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸). در بیان این انصراف، گفته شده است که ناظر انصراف به کسی دارد که از قصد نظر می‌کند؛ از این رو حرمت کشف در برابر کسی که صرف بصر دارد ثابت نیست (صاحب جواهر، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۶۱؛ آملی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۴). وجه ممکن دیگر این انصراف یا شک در انصراف، آن است که در آن سنین، کودک شعور و ادراک واضحی درباره عورت ندارد؛ از این رو با حیوان فرق ندارد و همان‌طور که کشف عورت نزد حیوان حرام نیست، نزد طفل غیرممیز نیز حرام نیست (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۱۹).

۱. «وَقَدْ رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ص) ... وَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قُلْ لِمُؤْمِنِينَ يُعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُجَهُمْ يُعْنَى مِنْ أَنْ يَنْظُرَ أَحَدُهُمْ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ وَيَحْفَظَ فَرْجَهُ مِنْ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ أَحَدٌ ...»

درواقع شاید بتوان گفت که ریشه هر دو وجه یادشده برای انصراف یا شک در آن به تناسبات حکم و موضوع برمی‌گردد و درواقع ادعا شده است که حکم حرمت نظر وقتی بر موضوع عورت بار می‌شود، به تناسب حکم و موضوع، عرف به این منتقل می‌شود که باید از قصد نظر کنند یا اینکه اصلاً ناظر بدانند عورت چیست و درباره آن احساس شرم داشته باشد؛ پس زمینه این تناسب حکم و موضوعی که در ذهن عرف ادعا شده است نیز احتمالاً سیره عقلا یا عقل است؛ توضیح آنکه ممکن است ادعا شود عقل و عقلا در زمان معصومان علیهم‌السلام برهنه شدن در برابر هر ممیزی را قبیح می‌دانسته است، مگر در برخی مواضع مانند حمام یا حین شست‌وشو و نواهی موجود در کلام معصومان علیهم‌السلام با صراحت خود این استثنایی را که در عقل یا سیره عقلایی بوده، رد کرده، و حمام و امثال آن را نیز مشمول حکم حرمت برهنگی دانسته است؛ اما برای اینکه برهنه شدن در برابر غیرممیز هم مشمول حکم حرمت شود، نیاز به تصریح است و آلاً با اطلاق نمی‌توان آن استنکار عقلایی را از بین برد؛ حتی جای این ادعا هست که حتی اگر استنکار عرفی هم در کار نباشد و عقلا در غیرممیز حکمی نداشته باشند نیز با اطلاقات نمی‌توان چیزی فراتر از آنچه عقلا و عقل درک می‌کنند، به متکلم نسبت داد.

پاسخ به این کلام این است که انصراف یا شک در انصراف با توجه به روایت تهذیب (نک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۴) درباره اغتسال و نیز روایت دعائم در تفسیر آیات شریفه سوره مبارکه نورا (نک: ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۴-۷) از بین می‌رود؛ توضیح آنکه براساس روایات، می‌توان گفت که در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام، مردم نپوشاندن عورت از دیگران را لااقل در حمام و هنگام شست‌وشو قبیح نمی‌دانستند و ائمه علیهم‌السلام در مقام ردع این ارتکاز بودند و وقتی این ارتکاز را با استخدام لفظ «أحد» در سیاق نفی، که لفاده عموم به‌نحو نزدیک به صراحت می‌کند، ردع می‌کنند، عقلانی است که مخاطبان در منع حمام و

۱. «يَحْفَظُ فَرْجَهُ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ أَحَدٌ».

شست‌وشو در حضور طفل غیرممیز، با این فرض که آن را ارتکازاً بلااشکال می‌دانستند، نیز به عموم تمسک کنند.

شاهد این کلام آنکه این نواهی ائمه علیهم‌السلام چنان قوی بوده است که برخی احتمال می‌داده‌اند که اغتسال به نحو عریان، حتی بدون وجود ناظر هم جایز نباشد. از ایشان دربارهٔ مردی پرسیده‌اند که بدون لُنگ، بدن خود را شست‌وشو می‌دهد، به طوری که احدی او را نمی‌بیند. ایشان فرمود اشکالی ندارد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۴). این روایت نشان می‌دهد که ارتکازی برای عدم اشکال دربارهٔ طفل غیرممیز وجود نداشته است. تنها مشکل سند این روایت ضمیری است که اگر به معصوم برگردد، روایت صحیح خواهد بود؛ البته اضمار روایت به استدلال ضربه‌ای وارد نمی‌کند؛ چراکه حتی اگر حلبی از فقیه دیگری هم سؤال کرده‌باشد، نزد حلبی این فرض برقرار بوده که ممکن است در صورت عدم حضور ناظر نیز، اغتسال اشکال داشته باشد.

۲-۳. عقل و اجماع

در ناحیهٔ عقل، این ادعا ممکن است که برهنه شدن در برابر طفل ممیز قبیح است و از این رو حرمت دارد؛ اما عقل دربارهٔ قبیح برهنه شدن در برابر طفل غیرممیز ساکت است و برای همین است که اکثریت قریب به اتفاق فقهای متأخر و معاصر به جواز برهنه بودن در برابر طفل غیرممیز فتوا داده‌اند. از حیث بناء عقلاً نیز، قبیح دربارهٔ طفل ممیز ادعا شدنی است؛ اما دربارهٔ طفل غیرممیز چنین بنایی وجود ندارد.

ازلحاظ اجماع باید توجه داشت که این مسئله در کتب فقهای متقدم مطرح نشده و اجماع قدما در این مسئله وجود ندارد؛ اما از زمان فقهای متأخر تا معاصر و حسب فحوص نگارنده یک اتفاق نظر نزدیک به اجماع بر حرمت برهنه شدن در برابر فرزند ممیز و عدم حرمت در برابر فرزند غیرممیز وجود دارد؛ اما این اجماع به علت اینکه در زمان قدما ثابت شده نیست، به سختی می‌تواند وجود ارتکازی در زمان ائمه علیهم‌السلام را ثابت کند و خصوصاً شائبهٔ مدرکی بودن دارد.

یافته‌های پژوهش

در بررسی حکم برهنه شدن و کشف عورت والدین در برابر فرزندان براساس ادله اربعه پذیرفته شده در فقه امامیه، این نتیجه حاصل شد که براساس قرآن کریم، آیه استیذان، وجوب ستر عورت از کودکی که قابلیت تعلیم اذن دارد، ثابت است؛ از این رو، جایز نیست والدین در برابر چنین فرزندان برهنه شوند و کشف عورت کنند؛ اما مشخصاً این آیه درباره برهنه شدن در برابر طفل صغیرتر از این حد، ساکت است. براساس روایات، حرمت برهنه شدن در برابر طفل غیرممیز هم ثابت است. از حیث عقل و عقلا نیز، حرمت برهنه شدن در برابر طفل ممیز قابل ادعاست؛ اما درباره غیرممیز می توان سکوت عقل را ادعا کرد. اجماع کاشف از رأی معصوم نیز در مسئله وجود ندارد. با این حساب نتیجه نهایی این است که جایز نیست والدین در برابر اطفال خود، حتی اطفال غیرممیز، برهنه شوند و این امر می تواند از حیث حقوقی نیز مورد توجه حقوق دانان قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم.

- آملی، محمدتقی (۱۳۸۴ق). *مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی*، ناشر مولف، تهران.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). *من لا یحضره الفقیه (علی اکبر غفاری، مصحح)*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام (آصف فیضی، پدیدآور)*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- اراکي، ابوطالب (۱۳۷۸). *شرح نجاه العباد*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- امامی راد، احمد؛ و مشهدی علی پور، مریم (۱۳۹۹). تربیت و آموزش جنسی مرتبط با اعضای جنسی کودک در اسلام. *مطالعات فقه تربیتی*، ۳۴(۱۶)، ص ۱۷۹-۲۰۰.
- امامی راد، احمد؛ و مشهدی علی پور، مریم (۱۴۰۳ش). محتوای آموزش جنسی در دوران کودکی اول و دوم از منظر اسلام. *اسلام و پژوهش های تربیتی*، ۳۱(۱۶)، ص ۲۵-۴۴.
- حکیم، محسن (۱۳۷۴). *مستمسک العروه الوثقی*. قم: دار التفسیر.
- خمینی، حسن (۱۳۸۲). وجوب ستر عورت از اجنبی و حرمت نظر. *پژوهشنامه متین*، ۵(۱۸)، ص ۶۳-۷۴.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعه الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.

رابرت، فرانکن (۱۳۸۴). انگیزش و هیجان (حسن شمس اسفندآباد، غلامرضا محمودی، و سوزان امامی‌پور، مترجمان). نشرنی، تهران..

سند، محمد (۱۴۱۵ق). *سند العروة الوثقی (الطهاره)*. بی‌جا: بی‌نا.

سوزنچی، حسین (۱۴۰۳). بررسی رأی ابن‌جنید دربارهٔ محدودۀ حجاب و پوشش شرعی زن مسلمان. فقه و حقوق خانواده، ۲۹(۸۰)، ص ۵۵-۷۳.

شیرازی فرح، مصطفی؛ عابدی سرآسیا، علیرضا؛ و محمدیان، علی (۱۳۹۵). بررسی احکام فقهی درزمینهٔ تربیت جنسی. سفیر نور، ۱۹(۳۳)، ص ۱۰۵-۱۲۶.

صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۴۲۱ق). *جواهر الکلام (فی ثوبه الجدید)*. قم: دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام (علی آخوندی، محمد آخوندی، و حسن خرسان، مصححان)*. قم: دار الکتب الإسلامیه.

کاویانی، صدیقه (۱۴۰۰). تحلیل و بررسی مبانی فقهی روش‌های تربیت جنسی فرزندان. پژوهش‌های فقهی و سبک زندگی خانواده اسلامی، ۱(۲)، ص ۵۲-۷۷.

کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفه الرجال (محمد باقر بن محمد میرداماد، مصحح؛ مهدی رجایی، محقق)*. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی (محمد آخوندی و علی‌اکبر غفاری، مصححان)*. قم: دار الکتب الإسلامیه. کویتی، محمد؛ و ابراهیمی، جواد (۱۴۰۱ش). بررسی فقهی ادلهٔ «عدم‌تحریک جنسی کودکان» به‌مثابهٔ قاعدهٔ فقهی. مطالعات فقه تربیتی، ۹(۱۷)، ص ۲۴۷-۲۷۶.

محمدی‌پناه، شیرین؛ آقایی بجستانی، مریم؛ و کهنساری، رضا (۱۴۰۰ق). مؤلفه‌های تربیت جنسی کودک از منظر فقه تربیتی. فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی (انجمن معارف اسلامی ایران)، ۴۴(۴)، ۲۲۳

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا). *مجمع الفائدة والبرهان*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

موری، افسانه (۱۴۰۲ش). بررسی تأثیر مهد کودک‌ها بر جامعه‌پذیری کودکان در شهرستان شوشتر در سال ۱۴۰۰. رویکردهای پژوهشی جدید مدیریت و حسابداری، ۷(۲۴)، ص ۹۲۲-۹۳۸.

پایگاه‌ها

آیا برهنه بودن والدین در مقابل فرزندان اشکالی ندارد؟؛ مزایا، محدودیت‌ها و نکات روان‌شناختی - حقوق نیوز

<https://www.Newslaw>

Bandura, A. ; Ross, D.; & Ross, S. A (1961). Transmission of aggression through imitation of aggressive models. *Abnormal and Social Psychology*, 3(63), p. 575-582. <https://doi.org/10.1037/h0045925>